

نگاهی تحلیلی به تاریخ اخلاق پزشکی اسلامی؛ مطالعه‌ی موردی آثار ابن‌الجزار، اهوازی، ابن‌سینا و جرجانی اکبر آقایانی چاوشی^{۱*}

تاریخ انتشار: 1397/11/23

تاریخ پذیرش: 1397/7/16

تاریخ دریافت: 1397/5/25

مقاله‌ی مروری

چکیده

بازخوانی تاریخ اخلاق پزشکی، تحلیل و بررسی سیره و آثار پزشکان پرآوازه دوره‌ی اسلامی و بهره‌برداری از این میراث گرانبها ضرورتی انکارناپذیر است؛ از این رو در پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، کتاب‌های طب الفقراء و المساکین اثر ابن‌الجزار، کامل الصناعه الطبیه اثر اهوازی، القانون فی الطب اثر ابن‌سینا و ذخیره‌ی خوارزمشاهی اثر جرجانی بررسی و واکاوی شده است. از تحلیل دستورالعمل‌ها و توصیه‌های اخلاقی مندرج در آن‌ها در تعامل پزشک و بیمار و نیز سیره‌ی عملی آنان در این زمینه، شش اصل از اصول مهم اخلاق پزشکی اسلامی به دست آمده که عبارت‌اند از: توکل به خدا، سودرسانی، آسیب‌نرساندن، امانت‌داری، شفقت و احسان. از اصول مذکور، دو اصل سودرسانی و آسیب‌نرساندن، بیش از اصول دیگر در کانون توجه و تأکید بوده است که می‌تواند حاکی از اهمیت این دو اصل اخلاقی در آموزه‌های اسلامی باشد. موضوعات اخلاقی در حیطه‌ی امور پزشکی دوره‌ی اسلامی، تنوع و گستردگی و ضرورت‌های کنونی را نداشته است؛ از این رو در مباحث مربوط به پیش از ولادت و آغاز حیات انسان، تنها به ممنوعیت سقط جنین اشاره شده و از مراقبت‌های پایان حیات بیمار بحثی به میان نیامده است.

واژگان کلیدی: ابن‌الجزار، ابن‌سینا، اصول اخلاق پزشکی، اهوازی، تاریخ اخلاق پزشکی اسلامی، جرجانی.

۱. استادیار، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، پژوهشکده سبک زندگی، گروه اخلاق پزشکی، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، تهران، ایران.

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه: تهران، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، دانشکده‌ی پزشکی، تلفن: ۸۲۴۸۳۴۳۱،

Email: chavoshi.ak@gmail.com

مقدمه

پایبندی به اخلاق در حرفه‌ی پزشکی، نزد اقوام مختلف سابقه‌ی تاریخی دیرینه دارد. در قوانین حمورابی که حدود هفده قرن پیش از میلاد مسیح (ع) توسط آشوریان تنظیم و بر ستونی سنگی حک شده است، علاوه بر آنکه به مجازات خطاهای پزشکی اشاره شده، بر جنبه‌های اخلاقی آن‌ها نیز تأکید شده است (۱). در سده‌های چهارم و پنجم پیش از میلاد، اندیشمندان یونانی، علم اخلاق و تهذیب نفس را در کنار علم پزشکی فرا می‌گرفتند و از آن به‌عنوان هنر زیستن و مراقبت از نفس یاد می‌کردند. بقراط (۳۸۰ تا ۴۵۰ ق.م) از جمله حکمای مشهور آن روزگار است که به او لقب «پدر علم طب» را داده‌اند. او اولین فردی است که مبانی و اصول اخلاقی را در قالب سوگندنامه‌ای برای طالبان علم پزشکی فراهم آورده است (۲). بعد از ظهور اسلام نیز نخستین سوگندنامه‌ی پزشکی متعلق به عساف، پزشک یهودی است.^۱ او در قرن هفتم میلادی در سرزمین فلسطین می‌زیسته و احتمالاً در سوریه به تدریس و طبابت اشتغال داشته است. اما عساف در سوگندنامه‌اش از بقراط تأثیر پذیرفته است؛ اما برخلاف پیشکسوت یونانی خود، بر نقش خداوند در زندگی مخلوقات پافشاری کرده است (۳). بعد از عصر ترجمه و آشنایی مسلمانان با علوم مختلف، علم پزشکی در کنار علوم دیگر جایگاهی ویژه به دست آورد و پزشکان نام‌آوری در جهان اسلام پرورش یافتند که آوازه‌ی نبوغ برخی از آنان، همچون زکریای رازی و ابن‌سینا از مرزهای اسلامی گذشت و آثار علمی آن‌ها، قرن‌ها در مراکز علمی جهان به کار برده شد. بررسی سیره‌ی عملی و آثار پزشکان بلندآوازه‌ی دوره‌ی اسلامی نشان می‌دهد که آنان در کنار توجه به گسترش علوم

پزشکی و نوآوری در آن از توجه به آموزه‌های اخلاقی در حرفه‌ی پزشکی و نهادینه‌کردن آن غافل نبوده‌اند. توصیه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی به‌جامانده از لابه‌لای آثار پزشکی و تکننگاری‌های اخلاق پزشکی این دوره، دلیلی روشن بر این ادعاست. ابوالحسن علی‌بن‌سهل‌بن‌ربن طبری از دانشمندان برجسته و نامدار قرن دوم هجری، لابه‌لای کتاب معروف فردوس الحکمه نکات اخلاقی موجود در حرفه‌ی پزشکی را مورد توجه و تأکید قرار داده است (۴). اسحاق‌بن‌علی الرهاوی از پزشکان برجسته و مسلمان قرن سوم هجری، کتابی ارزشمند و جامع در زمینه‌ی اخلاق پزشکی، به‌نام *ادب الطیب* به رشته‌ی تحریر درآورده است. ابن‌ابی‌اصیبعه در *عیون الانباء فی طبقات الاطباء* چندین بار از *ادب الطیب* یاد کرده است (۵). رهاوی در دیباچه‌ی کتاب *ادب الطیب* می‌نویسد: «من تمام آدابی را که طیب باید نفس خویش را بدان مؤدب نماید و اخلاق پسندیده‌ای را که باید طبع خود را بدان تربیت کند گرد آورده‌ام»^۲ (۶). ابوبکر محمدبن‌زکریای رازی از دیگر پزشکان پرآوازه‌ی نیمه‌ی دوم قرن سوم هجری است که به‌طور مبسوط در کتاب‌های *الحاوی فی الطب* و *المنصوری فی الطب*، که در شمار آثار معروف او در علوم پزشکی است، دستورالعمل‌ها و توصیه‌های اخلاقی در حیطه‌ی پزشکی را یادآور شده است. او همچنین در رساله‌ای که با عنوان *اخلاق الطیب* منتشر شده، اندوخته‌ها و تجربیات خود را در زمینه‌ی اخلاق پزشکی در اختیار یکی از شاگردانش قرار داده است تا بدین‌وسیله بر منزلت و شرافت اخلاق و ضرورت به‌کار بستن آن در حرفه‌ی پزشکی تأکید نماید (۷). این همه نشان‌دهنده‌ی آن است که در نزد پزشکان قرن اول تا اواخر قرن سوم هجری، اخلاق حرفه‌ای به‌ویژه اخلاق دینی و متکی به آموزه‌های اسلامی، از اهمیتی شایان توجه

1. متن عبری سوگندنامه‌ی عساف به شماره 2139 در کتابخانه‌ی دانشگاه آکسفورد نگهداری می‌شود.

2. اسحق‌بن‌علی الرهاوی، *ادب الطیب*، ص 8.

برخوردار بوده است. این میراث گرانبها و ارزشمند از دوره‌ی تمدن اسلامی که با تلاش‌های علمی و تحقیقات گسترده‌ی حکیمان و پزشکان نام‌آور آن دوره فراهم آمده حاوی مضامینی برجسته از اخلاق پزشکی است که باید از آن‌ها بهره برد؛ اما آنچه جای تأسف و تأمل دارد این است که در عصر حاضر علی‌رغم نیاز مبرم دانشجویان پزشکی و حتی پزشکان ایرانی به استفاده از این میراث پُرینها، اقدام چشمگیر و شایسته‌ای برای احیای آن صورت نگرفته و آنچه امروزه در دانشگاه‌های علوم پزشکی و حتی در مراکز پژوهشی اخلاق پزشکی کشور مطرح می‌شود، اصول اخلاقی برگرفته از ترجمه‌های متون غربی است.

با ملاحظه‌ی ضرورت مذکور، این پژوهش بر آن است با نگاهی تحلیلی به تاریخ اخلاق پزشکی اسلامی در محدوده‌ی زمانی قرن چهارم تا اواخر قرن ششم هجری، سیره‌ی عملی و آثار مهم ابن‌الجزار قیروانی، اهوازی، ابن‌سینا و جرجانی از پزشکان پرآوازه‌ی این دوره را مطالعه و بررسی کرده، گزارشی از توصیه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاق پزشکی آنان ارائه دهد؛ سپس با تتبع در آن‌ها، اصول اخلاق پزشکی مدنظر پزشکان پیش‌گفته را استنتاج نماید.

ابن‌الجزار قیروانی

ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن ابی‌خالد جزار، در قیروان از بلاد تونس، در خانواده‌ای که به فن پزشکی اشتغال داشتند به دنیا آمد. او پزشکی را از پدر و عمو و پزشکان هم‌زمان خود همچون اسحاق بن سلیمان آموخت. زادگاه او، قیروان، در آن زمان از مراکز مهم علم و ادب به شمار می‌آمد.

ترجمه‌نویسان، ابن‌الجزار را به داشتن حافظه‌ی قوی و اطلاع کامل از پزشکی و خوش‌فهمی ستوده‌اند. قاضی صاعد اندلسی در طبقات الامم او را با صفاتی همچون «حسن المذهب، فاضل السیره، صائناً للنفس و معتصماً عن الملوك» ستوده و مالکی، در ریاض النفوس، او را متمایل به مذهب شیعه و مخالف اهل سنت شمرده است. تألیف کتابی در تاریخ

دولت شیعی در آفریقا و ارتباط با برخی از افراد خاندان خلفای فاطمی مصر این نظر را تأیید می‌کند و شاید همین امر موجب شده است که شرح‌حال‌نویسان، به شرح احوال و ضبط آثار او توجهی نکنند^۱ (۸). از تاریخ ولادت و مرگ ابن‌الجزار اطلاعی دقیق و پذیرفتنی در دست نیست و آنچه شرح‌حال‌نویسان بدان اشاره کرده‌اند متناقض و غیرمعقول به نظر می‌رسد؛ لیکن گفته‌اند وی متجاوز از هشتاد سال عمر کرده است و مطابق نقل ابن‌عذاری در کتاب البیان به سال ۳۶۹ ه.ق / ۹۷۹ م. درگذشته است^۲ (۹).

همچنین درباره‌ی او نوشته‌اند علاوه بر آنکه از بیمارانش برای معالجه و دارو اجرتی دریافت نمی‌کرد، در مجاورت خانه‌اش داروخانه‌ای فراهم کرده بود که جوانی قیروانی در آنجا داروی بیمارانش را به آنان تحویل می‌داد^۳ (۱۰).

ابوحفص بن بریق اندلسی از شاگردان اوست که در قیروان نزد او پزشکی را آموخت. حسن حسنی عبدالوهاب در ورقات عن الحضاره العربیه بافریقیه التونسیه که در سال ۱۹۶۴ م. در مکتبه المنار تونس چاپ شده، ۳۷ کتاب و رساله از ابن‌الجزار را برشمرده است. محمدحسن نوفلیه نیز در مقاله‌ی خود تحت عنوان «ابن‌الجزار القیروانی» که در مجله‌ی آفاق الثقافه و التراث (چاپ دبی، مرکز جمعه الماجد، شوال ۱۴۱۴ ه.ق / ۱۹۹۴ م) منتشر شده است، ۳۱ کتاب از ابن‌الجزار را بر می‌شمارد^۴ (۹) که از جمله‌ی آن‌ها کتاب‌های زاد المسافر، الاعتماد فی الادویه المفرده و طب الفقراء و المساکین را می‌توان نام برد. نگارنده‌ی پژوهش حاضر، از میان آثار ابن‌الجزار کتاب طب الفقراء و المساکین را انتخاب و بررسی کرده است.

کتاب طب الفقراء و المساکین

1. مهدی محقق، مقدمه‌ی طب الفقراء و المساکین، ص 8.
2. وجیه کاظم آل طعمه، مقدمه‌ی طب الفقراء و المساکین، ص 15.
3. همان، ص 12.
4. مهدی محقق، همان، ص 8 و 9.

نمایان است؛ از این رو می‌توان گفت اصول اخلاق پزشکی مورد توجه او در این کتاب چهار اصل اخلاقی توکل به خدا، سودرسانی، شفقت و احسان است.

ابوالحسن علی بن عباس مجوسی مشهور به اهوازی

نامش علی، پدرش عباس و کنیه‌اش ابوالحسن است و در کتب تواریخ و تراجم با نام علی بن عباس مجوسی از او یاد شده است. تاریخ تولد او را هیچیک از مورخان مشرق‌زمین در کتاب خود ذکر نکرده‌اند؛ تنها در بعضی کتب تاریخ مانند تاریخ طب^۱ اثر موریس باریاتی و شارل کوری تاریخ ولادتش ۹۳۰م. ثبت شده است. اگر این تاریخ را تاریخ تولد اهوازی بدانیم سال ۳۱۸ه.ق به دست خواهد آمد. به‌رحال مسلم است که او در نیمه‌ی اول قرن چهارم هجری در شهر اهواز یا ارجان (بهبان) به دنیا آمده^۲ و وفاتش به سال ۳۸۴ه.ق/۹۹۴م. اتفاق افتاده است^۳ (۱۱). اهوازی پزشکی گران‌قدر و برجسته از اهالی اهواز بوده که پزشکی را نزد ابو‌ماهر موسی بن‌سیار آموخته است. او کتاب مشهور خود، «الملکی» را برای عضدالدوله دیلمی به رشته‌ی تحریر درآورد. الملکی مشتمل بر دو بخش است: بخش نخست آن در طب نظری و بخش دیگر در طب عملی است که در مجموع بیست مقاله را دربرمی‌گیرد^۴ (۱۲). مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، این کتاب را در دو مجلد در سال ۱۳۸۷ منتشر کرده است.

کتاب الملکی (کامل الصناعة الطیبة)

اهوازی باب دوم از مقاله‌ی نخست کامل الصناعة را به ذکر وصایای بقراط و دیگر پزشکان متقدم اختصاص داده که به «پندنامه‌ی اهوازی» مشهور است. پندنامه‌ی اهوازی در حقیقت توصیه‌ها و نکته‌های اخلاقی اهوازی در حرفه‌ی

ابن‌الجزار طب الفقراء و المساکین را با نام خدا و صلوات بر رسول خدا و آل طاهرینش آغاز می‌کند و سپس فهرست ابواب کتاب را که شامل هفتاد باب است یادآور می‌شود^۱ (۱۰). او انگیزه‌ی خود را از تألیف این کتاب کمک به بیماران فقیر و بینوا ذکر کرده است. او در این کتاب روش تهیه و به‌کاربردن داروهای را بیان کرده که دسترسی بدان‌ها با هزینه‌ی اندک امکان‌پذیر است و پزشکان به‌آسانی می‌توانند به وظیفه‌ی انسانی خود در قبال درمان بیماران تهیدست عمل نمایند.

از نکات شایان توجه در کتاب طب الفقراء، تکرار چشمگیر عباراتی همچون: «بأذن الله تعالی»، «ان شاء الله» و «به حول الله» است که در پی دستورالعمل‌های پزشکی ذکر شده و حاکی از آن است که وی پزشکی باایمان است که دارو و فعالیت‌های پزشک را تنها وسیله‌ای در جهت خواست و اراده‌ی الهی می‌داند و با توکل به خدا، شفای بیمار را از او می‌خواهد.

اقدام ابن‌الجزار برای نگارش کتاب طب الفقراء و المساکین، که برگرفته از آثار بقراط و جالینوس و تجربیات و اندوخته‌های علمی خود اوست، می‌تواند گویای احساس مسئولیتی باشد که او به‌عنوان یک پزشک مسلمان در برابر درد و رنج بیماران تهیدست و محروم جامعه از خود نشان داده است. چنان‌که در شیوه‌ی اخلاقی او آمده، از بیماران فقیر اجرت معاینه و درمان مطالبه نمی‌کرده و داروی رایگان نیز در اختیار آنان قرار می‌داده است.

در متن این کتاب، دستورالعمل و توصیه‌ی اخلاق پزشکی دیده نمی‌شود؛ ولی نیکی و خدمت به محرومان و بیچارگان و همدردی با ایشان را می‌توان ناظر به سه اصل اخلاقی «سودرسانی» و «احسان» و «شفقت» دانست که در روش درمانی ابن‌الجزار و اقدام او برای نگارش این کتاب به‌خوبی

2. محمود نجم‌آبادی، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، ص 444 و 445.

3. همان، ص 456.

4. ابن ابی اصیبه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ص 320-319.

1. احمدین‌ابراهیم‌بن‌الجزار القیروانی، طب الفقراء و المساکین، ص 39.

را از پدر و مادر و نزدیکان خویش مخفی می‌کنند پزشک را محرم اسرار خود می‌دانند؛ از این رو پزشک باید در کتمان اسرار بیمار کوشش نماید.⁶

و. پزشک باید خیررسان و خوش‌زبان باشد و در درمان بیماران به‌ویژه افراد مسکین و فقیر کوشش کند و در پی دریافت سود و اجر از آنان نباشد و اگر برایش مقدور است داروی ایشان را از مال خود فراهم کند و اگر امکان ندارد، به درمان آن‌ها بپردازد و شب و روز در بالینشان حاضر شود⁷ (۱۳).

او در ادامه تأکید می‌کند که پزشک باید خداپرست، پاک و نیکوروش باشد و از هر گونه پلیدی و گناه دوری گزیند. برای پزشک شایسته نیست به خوشگذرانی و لهو و لعب اشتغال ورزد و باید از نوشیدن شراب خودداری کند؛ زیرا به مغز آسیب می‌رساند و ذهن را فاسد می‌کند. همچنین باید نسبت به خواندن کتاب‌های پزشکی حریص باشد و از مطالعه‌ی آن‌ها احساس خستگی و ناراحتی نکند.⁸ اهوازی در پایان پندنامه‌ی خود یادآور می‌شود که موفقیت در حرفه‌ی پزشکی و بهره‌مندی از آن و جلب اعتماد مردم در گرو به‌کار بستن نکاتی است که او پزشکان را بدان‌ها فرا خوانده است⁹ (۱۳).

توصیه‌های اخلاقی ناظر به ویژگی‌های شخصیتی

پزشک

- پرستش خدای یگانه و فرمان‌برداری از او؛
- پرهیز از خوش‌گذرانی و لهو و لعب؛
- پرهیز از نوشیدن شراب؛
- پرهیز از درمان بیماران با انگیزه‌ی مال‌دوستی؛
- امید به اجر و پاداش الهی در درمان بیماران؛

پزشکی است. او در آغاز پندنامه‌ی خود بر ضرورت ایمان به خدا و اطاعت از او تأکید می‌کند و کسی را که می‌خواهد پزشکی دانشمند شود به پرستش خدای بزرگ و فرمان‌برداری از او فرا می‌خواند. اهوازی از پزشکان می‌خواهد که نسبت به تکریم استادان خویش همت گمارند و چنان‌که در حق والدین خویش نیکی می‌کنند و آنان را در اموال خود شریک می‌دارند، در حق استادان و معلمانشان نیز این‌گونه رفتار کنند و فرزندان ایشان را برادر خود بدانند. همچنین درباره‌ی کسانی که طالب آموختن علم پزشکی هستند و استحقاق و صلاحیت آن را دارند بخل نورزند و بدون چشمداشت مالی و امید تلافی‌کردن، آموزش دهند و آنان را به منزله‌ی فرزندان خود و فرزندان اساتید خود بدانند و نگذارند افراد پست و فرومایه پزشکی را فراگیرند¹ (۱۳).

اهوازی در ادامه‌ی توصیه‌های خود به مواردی در تعامل پزشک و بیمار اشاره می‌کند که عبارت‌اند از:

الف. پزشک باید با حسن تدبیر نسبت به درمان بیماران از طریق غذا یا دارو کوشش نماید و انگیزه‌اش از درمان بیماران مال‌دوستی نباشد، بلکه اجر و پاداش الهی را مد نظر قرار دهد.²

ب. از توصیف و معرفی و تجویز داروهای خطرناک به بیمار خودداری کند.³

ج. از تجویز داروهای سقط جنین پرهیز کند و آن‌ها را به هیچ‌کس معرفی ننماید.⁴

د. پزشک باید از نگاه آلوده به زنان خودداری کند و به خانه‌های آنان مگر برای درمان وارد نشود.⁵

ه. پزشک باید رازدار بیماران باشد و اسرار آنان را نزد آشنا و بیگانه فاش نسازد؛ زیرا بسیاری از بیماران که بیماری خود

1. علی بن عباس الاهوازی، کامل الصناعه الطبیه، ج 1، ص 20.

2. همان.

3. همان، ص 21.

4. همان.

5. همان.

6. همان.

7. همان.

8. همان.

9. همان، ص 22.

- حریرص بودن به خواندن کتاب‌های پزشکی و احساس
- تکریم استادان و معلمان؛
- خستگی و ناراحتی نکردن از مطالعه‌ی آن‌ها.
- بخل‌نورزیدن در آموزش دانشجویان واجد شرایط؛
- مخالفت با آموزش افراد فرومایه و بی‌صلاحیت.
- توصیه‌های اخلاقی ناظر به تعامل با استادان و دانشجویان

جدول شماره ۱- توصیه‌های اخلاقی ناظر به تعامل پزشک و بیمار و اصول اخلاق پزشکی مدنظر در کتاب کامل الصناعة الطیبة

اصول اخلاق پزشکی مدنظر	نکات اخلاقی بیان‌شده
اصل سودرسانی	۱ اقدام مدبرانه‌ی پزشک در برابر درمان بیماران از طریق غذا یا دارو
اصل آسیب‌نرساندن	۲ پرهیز از توصیف داروهای خطرناک و تجویز آن‌ها به بیمار
اصل آسیب‌نرساندن	۳ پرهیز از تجویز داروهای سقط جنین و معرفی نکردن آن‌ها
اصل امانت‌داری	۴ پرهیز از نگاه آلوده به زنان
اصل امانت‌داری	۵ عدم افشای اسرار بیماران
اصل احسان	۶ درمان بیماران تهیدست و بینوا بدون دریافت اجر و مزد
اصل احسان	۷ تهیه‌ی داروی بیماران تهیدست از مال خود و حاضرشدن بر بالین آنان

ابن سینا

به‌خوبی فرا گرفته بود که دیگر به تحصیل در خدمت استاد احتیاج نداشت^۳ (۱۱). تاریخ‌نگاران تعداد آثار و تألیفات ابن‌سینا را به اختلاف نقل کرده‌اند. ابن‌ابی‌اصیبه آثار وی را قریب به صد اثر دانسته و سعید نفیسی در رساله‌ی پور سینا آثار شیخ را (چه منسوب و چه منصوص و مسلم) ۴۵۲ اثر می‌داند^۴ (۱۱). کتاب قانون مهم‌ترین و مفصل‌ترین و مشهورترین اثر طبی شیخ و از امهات کتاب‌های طبی شرق و غرب است. این کتاب از روز تألیف تا قریب هفت قرن بعد (اواسط قرن هفدهم) در اروپا و تاکنون در مشرق‌زمین مدنظر طالبان طب و از کتب درسی اغلب دارالعلم‌ها بوده است و چاپ‌ها و ترجمه‌ها و حواشی و تعلیقات و شروح و تلخیصی که بر آن نوشته شده بسیار زیاد است^۵ (۱۱).

کتاب القانون فی الطب

ابن‌سینا در کتاب قانون که در پنج مجلد به چاپ رسیده،

شیخ‌الرئیس ابوعلی حسین‌بن‌عبدالله‌بن‌حسن‌بن‌علی‌بن‌سینا معروف به ابن‌سینا، دانشمند بزرگ ایرانی و پیشرو حکما و پزشکان در تمدن اسلامی است. او در ماه صفر سال ۳۷۰ه.ق/ ۹۸۰م. در اشنه به دنیا آمد^۱ (۱۱). ابن‌ابی‌اصیبه به نقل از ابوعبید جوزجانی می‌گوید: «وی هنگامی به جوار پروردگار خویش شتافت که ۵۳ سال داشت، ولادتش به سال ۳۷۵ و وفاتش به سال ۴۲۸ ه.ق بود و مدفنش در زیر حصار همدان قرار دارد»^۲ (۱۲).

ابن‌سینا فراگیری علم ریاضی را نزد محمود مساح و علم فقه را نزد اسماعیل زاهد آغاز کرد؛ سپس فلسفه را نزد ناتلی حکیم و فیلسوف، شاگرد ابوالفرج‌بن‌الطیب، آموخت. او علم طب را از ابومنصور حسن‌بن‌نوح قمری فراگرفت و درحالی‌که هفده سال و نیم داشت، آنچنان یک دوره از علوم آن زمان را

3. محمود نجم آبادی، همان، ص 482 تا 487.

4. همان، ص 550.

5. همان، ص 566.

1. محمود نجم آبادی، همان، ص 478 و 479.

2. ابن‌ابی‌اصیبه، همان، ص 445.

ابتدا در توصیف علم طب، تشریح، علت بیماری، بهداشت و حفظ سلامت بدن سخن گفته و سپس درباره‌ی داروهای مفرد و خواص و ویژگی‌های هر یک از آنها بحث کرده است. بخشی دیگر از کتاب قانون به تشریح اعضای بدن و بیماری‌های آن و طریق درمان هر یک از اعضا اختصاص یافته است. در بخش پایانی از داروهای ترکیبی، خواص و طرز تهیه و موارد مصرف آنها سخن به میان آمده است.

فقدان تسلط علمی طبیب و ناآشنایی او با بیماری‌ها و نحوه‌ی درمان آنها در بسیاری از موارد، بیمار را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد و زبان‌های جبران‌ناپذیر به بار می‌آورد. از نکات مهمی که ابن سینا در کتاب قانون بسیار بر آن تأکید کرده، ضرورت اشراف و آگاهی طبیب به علم طب و کسب مهارت و حذاقت در تشخیص و درمان بیماری‌هاست.

او در باب آگاهی و مهارت طبیب در امر جراحی می‌گوید: «طیبی که اندام بیمار را جراحی می‌کند باید به علم تشریح آگاهی داشته باشد. تشریح اعصاب، وریدها و شریان‌ها را بداند تا مرتکب خطا نشود و چیزی را قطع نکند که منجر به مرگ بیمار شود»^۱ (۱۴).

در بخش معالجه‌ی بیماری اسهال نسبت به تجویز داروی مخدر هشدار داده و پزشک را از به‌کاربردن آن منع می‌کند؛ البته در شرایطی که پزشک ناگزیر به استفاده از آن است، به او توصیه می‌کند با احتیاط عمل کرده و مراقب باشد که بر بدن بیمار تأثیر منفی نگذارد و توان بیمار را کاهش ندهد. سپس می‌گوید: «من کسی را دیدم که بر اثر استعمال شیاف افیون جان سپرد»^۲ (۱۴). بوعلی در فن نوزدهم، در معالجه‌ی سنگ مثانه، عمل جراحی را برای بیمار خطرناک می‌داند و آن را تجویز نمی‌کند و در شرایطی که پزشک ناگزیر از جراحی باشد، توانایی و مهارت او را در شناختن و تشریح مثانه،

ضروری می‌داند.^۳ او در بحث منع بارداری زنان، مواردی را یادآور می‌شود که بارداری برای زن خطرآفرین است و پزشک باید برای حفظ سلامتی و جان بیمار، دستور منع بارداری دهد.^۴ در فن چهارم، در بحث معالجه‌ی بیماری‌های عمومی، از دست‌دادن فرصت و تأخیر در معالجه بیماری‌های خطرناک را جایز نمی‌داند و بر آغاز درمان قوی و مؤثر بیماری تأکید می‌کند.^۵ در بحث کسانی که تازه از بیماری شفا یافته‌اند، اما هنوز بهبودی و سلامتشان به حالت قبل از بیماری بازنگشته و دوره‌ی نقاهت را سپری می‌کنند، نکاتی را یادآور شده است که با مراعات آنها بیمار سلامتی خود را بازمی‌یابد.^۶ در مقاله‌ی سوم از فن پنجم، در درمان شکستگی دنده، چهاراندیشی مقدماتی و عدم شتاب‌زدگی در درمان را برای پرهیز از آسیب‌رسانی به بیمار ضروری می‌داند.^۷ در فصل سی‌ویکم از فن چهارم در تسکین دردها، انتخاب بهترین و بی‌ضررترین روش درمانی را به پزشک معالج توصیه می‌کند و در صورتی که استفاده از داروی مخدر به مصلحت بیمار باشد، به‌کاربردن سهل‌ترین آنها را پیشنهاد می‌نماید.^۸ همچنین در بحث مربوط به معالجه‌ی بیماری‌های سر و مغز نسبت به استعمال دارو بدون در نظر گرفتن شرایط جسمی و توان تحمل بیمار هشدار می‌دهد تا مصرف دارو موجب هلاکت بیمار نشود^۹ (۱۴).

3. همان، ص 163 و 164.

4. همان، ص 287.

5. همان، ج 1، ص 331.

6. همان، ج 3، ص 548.

7. همان، ج 4، ص 51 و 52.

8. همان، ج 1، ص 379 و 380.

9. همان، ج 2، ص 34.

1. حسین بن علی بن سینا، القانون فی الطب، ج 1، ص 373.

2. همان، ج 3، ص 26.

جدول شماره ۲- توصیه‌های اخلاقی ناظر به تعامل پزشک و بیمار و اصول اخلاقی مدنظر در کتاب القانون فی الطب

اصول اخلاق پزشکی مدنظر	نکات اخلاقی بیان شده
اصل آسیب‌نرساندن	۱ آگاهی طبیب جراح به علم تشریح برای جلوگیری از ارتکاب خطا و به‌خطر انداختن جان بیمار
اصل آسیب‌نرساندن	۲ استفاده نکردن از داروی مخدر
اصل آسیب‌نرساندن	۳ استفاده نکردن از داروی مخدر به‌تنهایی در حال اضطراب
اصل سودرسانی	۴ مراقبت و تحت‌نظر داشتن بیمار در دوره‌ی نقاهت
اصل سودرسانی	۵ مراعات حال بیمار در تجویز دارو و پرهیز از هر گونه خطا و اشتباه
اصل سودرسانی	۶ دستور منع بارداری به زنانی که بارداری سلامتی و جان آنان را به خطر می‌اندازد
اصل سودرسانی و آسیب‌نرساندن	۷ اهتمام جدی در درمان بیماری‌های خطرناک و تأخیر نکردن در آن
اصل سودرسانی و اصل آسیب‌نرساندن	۸ چاره‌اندیشی مقدماتی برای درمان و پرهیز از شتاب‌زدگی
اصل سودرسانی	۹ انتخاب روش بهتر و نافع‌تر در تسکین دردها

جرجانی

خوارزمشاهی به چشم می‌خورد^۳ (۱۷). جرجانی به علت تعلقات فرهنگی که به سرزمین مادری خود داشته، کتب اصلی و شاهکارهای خود یعنی ذخیره‌ی خوارزمشاهی، الاغراض الطّیبه، خفی علایی و یادگار را که آثار جاودانه‌ی اوست به زبان فارسی نوشته است^۴ (۱۸). کتاب ذخیره‌ی خوارزمشاهی از امهات و مطول‌ترین و مشروح‌ترین کتب طب پارسی است که جرجانی پس از قریب به پنج قرن که بیشتر تألیفات طب به تازی بوده، به پارسی تألیف کرده است^۵ (۱۱). ذخیره‌ی خوارزمشاهی حاوی مطالبی از تألیفات علی‌بن‌ربین طبری، رازی، اهوازی، اخوینی، ابن‌سینا و دیگر پزشکانی است که تا اواسط قرن پنجم هجری تألیف شده و جرجانی از آنها فراوان استفاده کرده و تمام تلاش او بر این بوده که به شیوه‌ای نگارش یابد که در خور فهم فارسی‌زبانان آن روز اعم از خاص و عام باشد و نیازهای طبّی و بهداشتی همگان را

سید زین‌الدین ابوابراهیم اسماعیل‌بن‌حسن جرجانی از پزشکان نامدار سده‌ی ششم هجری و از سادات اصفهان است که در سال ۴۳۴ه.ق/ ۱۰۴۱م. در گرگان به دنیا آمد (۱۱). برخی پژوهشگران سال و محل تولد جرجانی را ۱۴۰۲م. در گرگانج پایتخت خوارزم دانسته‌اند (۱۵). او پزشکی را از ابوالقاسم عبدالرحمن‌بن‌ابی‌الصادق نیشابوری ملقب به «بقراط الثانی» آموخت^۱ (۱۱). بنا به نقل یاقوت در معجم البلدان وفات جرجانی به سال ۵۳۱ه.ق در مرو اتفاق افتاد^۲ (۱۶). جرجانی تحت تأثیر عمیق دین و عرفان اسلامی بود. شخصیت دینی و معرفتی وی در سراسر مباحث مربوط به علم اعمال بدن آدمی (فیزیولوژی) کتاب ذخیره، منعکس است. تأثیر ایمان عمیق به اراده و مشیت الهی در حدّ اعلای آن در آثار جرجانی مشهود است. اشارات مکرّر او به عنایت ایزدی و ستایش حق تعالی در سراسر کتاب ذخیره‌ی

3. علی‌اکبر ولایتی، مقدمه‌ی ذخیره‌ی خوارزمشاهی، ص 11.

4. محمدرضا محرری، مقدمه‌ی ذخیره‌ی خوارزمشاهی، ص 23.

5. محمود نجم‌آبادی، همان، ص 721.

1. محمود نجم‌آبادی، همان، ص 719.

2. یاقوت الحموی، معجم البلدان، ج 2، ص 122.

برآورده کند^۱ (۱۸). کتاب ذخیره‌ی خوارزمشاهی در ده مجلد به چاپ رسیده است که هر جلد آن حاوی چند گفتار و هر گفتار شامل چند باب است.

کتاب ذخیره‌ی خوارزمشاهی

جرجانی در آغاز ذخیره‌ی خوارزمشاهی وظیفه‌ی اصلی پزشک را در کانون توجه قرار داده است. او در باب نخست از گفتار نخستین، از جزء علمی و عملی پزشکی سخن به میان آورده، حفظ سلامتی مردم و درمان بیماری آنان را از جمله‌ی وظایف پزشک برشمرده است. او همچنین نسبت به دورکردن آنچه برای بیمار زیان‌بخش است و فراهم‌نمودن آنچه برایش سود دارد تأکید می‌نماید^۲. جرجانی در این عبارت بر دو اصل مهم اخلاق پزشکی یعنی سودرسانی به بیمار و آسیب‌نرساندن به وی پافشاری می‌کند. در باب دوم از گفتار دوم نیز به ضرورت آگاهی پزشک بر علم تشریح و شناختن اندام‌ها و ترکیب آن‌ها و خواص و مشارکت هر یک در درمان بیماری‌ها اشاره دارد^۳. از عوامل مهم موفقیت پزشک در تشخیص و درمان بیماری‌ها، فراوانی دانش و مهارت او در درمان بیماران است. جرجانی در گفتار نخستین از کتاب چهارم این نکته‌ی مهم را یادآور شده است^۴ (۱۹).

او همچنین در بحث درمان تب‌ها، تسکین‌دادن حرارت بیمار و نگاه‌داشتن قدرت و قوت او را لازم و ضروری دانسته است^۵. حکیم جرجانی در معالجه و درمان بیماری‌های چشم، از پزشک می‌خواهد که در ابتدا چشم بیمار را دقیق معاینه کند و پس از تشخیص علت بیماری، زمینه‌ی درمان آن را فراهم نموده، درمان اصلی و مورد نظر را آغاز نماید تا در نتیجه‌ی آن، مرتکب خطای بزرگ نشود و درد و رنج بیمار را به وجود

نیآورد^۶. او در بخش جراحی‌کردن پلک چشم برای خروج «سلعه» از پزشک می‌خواهد تا با دقت کامل جراحی پلک چشم را انجام دهد و «سلعه» را به‌طور کامل از پلک خارج کند؛ زیرا اگر غشاء «سلعه» پارگی بردارد و رطوبتی از آن خارج شود، درمان بیماری را دشوار می‌سازد^۷. جرجانی در بحث جراحی‌کردن مثانه برای خارج‌کردن سنگ، شکافتن مثانه را برای بیمار پرخطر توصیف کرده، روش متقدمان در خارج‌کردن سنگ مثانه را تجویز نمی‌کند و در مواقعی که پزشک بخواهد برای بیرون‌راندن سنگ از مثانه اقدام کند به‌کار بستن سه نکته را ضروری می‌شمارد که در نتیجه‌ی آن احتمال خطر و درد و رنج بیمار کاهش می‌یابد: درنظرگرفتن سن بیمار، توجه و دقت به اندازه و شکل سنگ، توجه به میزان دردی که بیمار تحمل می‌کند. او در ادامه‌ی سخن، فواید توجه و مراعات امور سه‌گانه را در درمان سنگ مثانه شرح می‌دهد^۸. جرجانی در بخش درمان عفونتی که به استخوان رسیده، درباره‌ی جراحی مهره‌ی تپاه‌شده‌ی پشت که نزدیک نخاع است هشدار داده، آن را خطرناک می‌شمارد^۹ (۲۰). توصیه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی و اصول اخلاق پزشکی مورد نظر جرجانی در کتاب ذخیره‌ی خوارزمشاهی در جدول شماره‌ی ۳ آمده است.

نتیجه‌گیری

بررسی آثار پیش‌گفته نشان می‌دهد که ابن‌الجزار قیروانی در شمار پزشکان مسلمانی است که بر چند اصل مهم اخلاق پزشکی، صرفاً به‌صورت عملی تأکید کرده است. او با نگارش کتاب طب الفقراء و المساکین سودرسانی و شفقت به بیماران بینوا را تسهیل و با اهدای داروهای رایگان به آنان، به اصل احسان توجه کرده است. ابن‌الجزار تأثیر داروهای مفرده و

1. محمدرضا محرری، همان، ص 25 و 26.

2. اسماعیل جرجانی، ذخیره‌ی خوارزمشاهی، ج 1، ص 3.

3. همان، ج 2، ص 170.

4. همان، ج 4، ص 3.

5. همان، ج 5، ص 108.

6. همان، ج 6، ص 334.

7. همان، ص 345.

8. همان، ص 529.

9. همان، ج 7، ص 593.

رهاوی، مجوسی اهوازی و رازی را که پیش از وی می‌زیسته‌اند، ندارد. توصیه‌های اخلاق پزشکی در آثار پزشکان نامبرده، ناظر به چندین اصل مهم در اخلاق پزشکی است که در کتاب قانون بدان‌ها اشاره‌ای نشده است؛ از این‌رو توصیه‌های اخلاق پزشکی ابن‌سینا در قانون که عمدتاً در خلال دستورالعمل‌های او در تجویز دارو و درمان بیماری‌ها مطرح شده است، ناظر به تعامل پزشک و بیمار است و تنها بر دو اصل اخلاقی «سودرسانی» و «آسیب‌نرساندن» به بیمار تأکید کرده است.

توصیه‌ها و نکته‌های اخلاقی مندرج در ذخیره‌ی حواری‌مشاری که مشتمل بر ده مجلد است، فراوانی چندانی ندارد. تنها نمونه‌هایی از توصیه‌ها و نکته‌های اخلاقی ناظر به تعامل پزشک و بیمار در لابه‌لای دستورالعمل‌های درمانی جراحی وجود دارد که مبتنی بر دو اصل اخلاقی سودرسانی و آسیب‌نرساندن به بیمار است که در جدول شماره‌ی ۳ به آن‌ها اشاره شده است.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت دستورالعمل‌ها و توصیه‌های اخلاقی ناظر به تعامل پزشک و بیمار که در آثار مذکور بر آن‌ها تأکید شده، بر شش اصل اخلاقی توکل به خدا، سودرسانی، آسیب‌نرساندن، امانت‌داری، شفقت و احسان که از اصول مهم اخلاق پزشکی اسلامی به شمار می‌روند، استوار است. در این میان دو اصل سودرسانی و آسیب‌نرساندن، بیش از اصول اخلاقی دیگر مورد عنایت و تأکید پزشکان این دوره از تاریخ اخلاق پزشکی بوده است که می‌تواند حاکی از اهمیت این دو اصل اخلاقی در آموزه‌های اسلامی باشد.

نکته‌ی پایانی آنکه موضوعات اخلاقی در حیطه‌ی امور پزشکی دوره‌ی اسلامی، تنوع، گستردگی و ضرورت‌های کنونی را نداشته است؛ از این‌رو در مباحث مربوط به پیش از ولادت و آغاز حیات انسان، تنها به ممنوعیت سقط جنین اشاره شده و از مراقبت‌های پایان حیات بیمار بحثی به میان

مرکبه‌ی مورد اشاره‌ی خود را منوط به اذن و اراده‌ی الهی دانسته و توکل به او را در درمان بیماری‌ها ضروری می‌داند؛ لذا می‌توان گفت سیره‌ی عملی و انگیزه‌ی ابن‌الجزار در نگارش کتاب طب الفقراء و المساکین بر مبنای چهار اصل اخلاقی توکل به خدا، سودرسانی، شفقت و احسان به بیماران نیازمند استوار است که از اصول مهم اخلاق پزشکی است.

درباره‌ی توصیه‌ها و نکته‌های اخلاقی مندرج در کتاب کامل الصناعه اهوازی که به پندنامه‌ی اهوازی شهرت یافته، اشاره به چند نکته ضروری است:

الف. اهوازی نیز در نگارش پندنامه‌ی خود همانند عساف، پزشک یهودی، از سوگندنامه‌ی بقراط تأثیر پذیرفته و طالبان حرفه‌ی پزشکی را به پیروی از آن فرا خوانده و بخش‌هایی از آن را مورد توجه و تأکید قرار داده است؛ لیکن توصیه‌های اخلاقی وی را نباید تنها نسخه‌ای از سوگندنامه‌ی بقراط به شمار آورد؛ زیرا اهوازی سوگندنامه‌ی بقراط را با نگرش اعتقادی و با توجه به شرایط اجتماعی دوران خود بازنگری کرده است. او در پندنامه‌ی خود مواردی از سوگندنامه‌ی بقراط را حذف نموده و نکات مهمی بر آن افزوده است.

ب. توصیه‌های اخلاقی اهوازی عمدتاً ناظر به ویژگی‌های شخصیتی پزشک و تعامل با بیماران است و در موارد محدودی به تعامل پزشک با استادان و دانشجویان نیز اشاره دارد.

ج. مبنای توصیه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی اهوازی مطابق آنچه در جدول شماره‌ی ۱ آمده، بر چهار اصل اخلاقی سودرسانی، آسیب‌نرساندن، امانت‌داری و احسان استوار شده است.

در برخی نوشته‌ها آمده است که متن و محتوای کتاب قانون ابن‌سینا سرشار از توصیه‌های اخلاق پزشکی است (۲۱)؛ اما بررسی انجام‌شده این قضاوت را تأیید نمی‌کند؛ زیرا توصیه‌های اخلاق پزشکی در قانون ابن‌سینا، گستردگی و جامعیت توصیه‌های اخلاق پزشکی در آثار پزشکانی چون

نیامده است.

جدول شماره‌ی ۳- توصیه‌های اخلاقی ناظر به تعامل پزشک و بیمار و اصول اخلاق پزشکی مدنظر در کتاب ذخیره‌ی خوارزمشاهی

اصول اخلاق پزشکی مدنظر	نکات اخلاقی بیان شده
اصل سودرسانی	۱ حفظ سلامتی مردم و درمان بیماری آنان به‌عنوان وظیفه‌ی پزشک
اصل سودرسانی	۲ دورکردن بیمار از آنچه برایش زیان دارد و فراهم‌نمودن آنچه برای بیمار سود دارد
اصل سودرسانی	۳ آگاهی پزشک از علم تشریح و شناختن اندام‌ها، ترکیب آن‌ها و خواص و مشارکت هر یک از آن‌ها در درمان بیماری
اصل سودرسانی	۴ اقدام پزشک برای تسکین دادن حرارت بیمار و نگاه‌داشتن قدرت و قوت او
اصل آسیب‌نرساندن	۵ معاینه‌ی دقیق بیمار و تشخیص علت بیماری و درمان اصلی آن و بعد اقدام به درمان، برای جلوگیری از خطا و ایجاد درد و رنج برای بیمار
اصل آسیب‌نرساندن	۶ دقت کامل در انجام‌دادن جراحی‌های چشم برای جلوگیری از آسیب‌رسانی به بیمار
اصل سودرسانی و اصل آسیب‌نرساندن	۷ به‌کار بستن نکات کاهش‌دهنده‌ی احتمال خطر و درد و رنج بیمار در جراحی‌کردن مثانه برای خارج کردن سنگ
اصل آسیب‌نرساندن	۸ دقت در درمان مهره‌ی پشت نزدیک به نخاع که بر اثر عفونت تباه شده است

منابع

- 1- Larijani B, Zahedi F, Emami Razavi SH. Medical ethics in history in Iran. IJDL. 2006; 6 (2): 116-7
- 2- Larijani B. Health Care Professional and Ethical Issues. 2st ed. Tehran: For tomorrow; 2018. Vol 1. p 45.
- 3- Poulet J, Sourmia J, Martiny M. Histoire De La Medecine etc. Paris: Tome III Paris s.d
- 4- Rabban-al-Tabari A. Paradis of Wisdom in Medicine Edithed by Siddiqi M Z. 2st ed. Berlin: Sonne; 1928
- 5- Al-Samarai k , Salman- Ali D . Introduction to the Doctor's Literature. In: AL- Rohawi E. Doctor's Literature. Baghdad: General Cultural Affairs -Arab Horizons; 1999. p. 6-7. [in Arabic]
- 6- AL- Rohawi E. Doctor's Literature. Baghdad: General Cultural Affairs -Arab Horizons; 1992. [in Arabic]
- 7- Aqayani Chavoshi A. A reconsideration of the principles of medical morality in Mohammad Ibn Zakariya Razi. Research Quarterly in Islamic Ethics. 2017; 10(35): 66-76
- 8- Mohaqiq M. [Introduction to the Teb Al-fukhara and Al-Masakin]. In: Ibn Aljazar Alqirvani A. [Teb Al-fukhara and Al-Masakin]. Tehran: Institute of Islamic Studies University of Tehran; 1996. [In Arabic]
- 9- Kazem Al- Tome V. [Introduction to the Teb Al-fukhara and Al-Masakin]. In: Ibn Aljazar Alqirvani A. [Teb Al-fukhara and Al-Masakin]. Tehran: Institute of Islamic Studies University of Tehran; 1996. [In Arabic]
- 10- Ibn Aljazar Alqirvani A. [Teb Al-fukhara and Al-Masakin]. Tehran: Institute of Islamic Studies University of Tehran; 1996. [In Arabic]
- 11- Najmabadi M. [History of Medicine in Iran after Islam]. Teharn: Institute of Publications and Printing of Tehran University; 1996. [in Persian]
- 12- Ibn Abi Osaibe. [Ayun al-Anbiaa Fi Tabagatel atebba]. Beirut: Life Office Publication. [in Arabic]
- 13- Al-Ahwazi A. [Full medical industry]. Qom: Jalaluddin Publishing; 2009. [in Arabic]
- 14- Ibn Sina H. [Law in Medicine]. Beirut: Dar Alfaker Publications; 2002. [in Arabic]
- 15- Golshani SA. Sayyed Ismael Jorjani, The famous Iranian physician and philosopher. Jorjani Biomed J. 2014; 2(2): 69-71.
- 16- Yaghut HEMavi. [Mojaem al-Baladan]. Beirut: Dar Sader; 1995. [in Arabic]
- 17- Velayati A. [Introduction to the Kharazmshahi Save]. In: Jorjani S. [Kharazmshahi Save]. Teharn: Academy of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran; 2005. [in Persian]
- 18- Mohareri M. [Introduction to the Kharazmshahi Save]. In: Jorjani S. [Kharazmshahi Save]. Teharn: Academy of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran; 2005. [in Persian]
- 19- Jorjani S. [Kharazmshahi Save]. Teharn: Academy of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran; 2005. [in Persian]
- 20- Jorjani S. [Kharazmshahi Save]. Teharn: Academy of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran; 1975. [in Persian]
- 21- Heydari AE, Keshavarz H, Sepehr MN. Review of medical ethics in Avicenna's book Canon of Medicine. IJME; 2012, 5(5): 66-75. [in Persian]

An Analytical Look on History of Islamic Medical Ethics: A Case Study of Ibn al-Ja'zar, Ahwazi, Ibn Sina, and Jorjani Books

Akbar Aqhayani Chavoshi ^{*1}

¹ Assistant Professor, Behavioral Sciences Research Center, Life Style Research Institute, Department of Medical Ethics, School of Medicine, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Studying the history of medical ethics and analyzing the dynamics and effects of renowned physicians of the Islamic era and the exploitation of this precious heritage is indispensable. Therefore, in this research, by descriptive-analytic approach, the books of *Teb Al-fukhara* and *Al-Masakin*, Ibn al-Jazar, *Full medical industry*, Ahvazi, *Law in Medicine of Ibn Sina*, and *Kharazmshahi* Save of Jorjani were investigated, by analyzing the guidelines and ethical recommendations contained in the physician and patient interactions, as well as their practical applications in this regard, six important principles of Islamic medical ethics were attained: trust in God, profitability, harmlessness, trusteeship, compassion, and goodness. Two principles of profitability and harmlessness have been more emphasized than other ones, which can indicate the significance of these two ethical principles in Islamic teachings. The ethical issues in the field of medical sciences during the Islamic period did not have the diversity, breadth, and necessity of the present. Thus, in pre-natal and human-era discussions, only the prohibition of abortion is mentioned and there is no debate about the end-of-life care of the patient.

Keywords: Ibn al-Jazar, Ibn Sina, Principles of medical ethics, Ahwazi, History of Islamic medical ethics, Jorjani

* Corresponding Author: Email: chavoshi.ak@gmail.com